

شرح قانون مجازات جرایم

نیروهای مسلح



♦ ممد رضا یزدانیان

(مدیرکل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح)

(تکمیل مطلب)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شرح ماده:

الف) موضوع جرم "شورش" است. شورش در لغت به معنای آشفتگی، فتنه و غوغا و شوریده به معنای آشفته، منقلب و پریشان حال آمده است.^(۱) شورش در اصطلاح نظامی به معنای نافرمانی و سرپیچی از دستورات و اوامر فرماندهی و یا خارج شدن از اطاعت سلسله مراتب فرماندهی می باشد.

ب) مرتکب جرم: مرتکب جرم نظامیان هستند و منظور از نظامیان «کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و سازمان های وابسته آنها، کارکنان ناجا، کارکنان

ج- نظامیان مسلحی که به منظور دستیابی به اهداف شخصی، صنفی و گروهی و یا به منظور بهره مندی از مزایا و امتیازات یا علیه تصمیمات قانونی مسئولان و نظایر آن در یگان های نظامی یا در هر محل دیگر اجتماع، تحصن یا اعتصاب نموده و یا به هر نحوی موجب اخلال در نظم شوند به حبس از سه تا پانزده سال.

د- چنانچه مرتکبان جرایم فوق غیر مسلح باشند به حبس از شش ماه تا سه سال.

تبصره: هرگاه یک نفر از مرتکبان جرایم فوق در یک اقدام گروهی مسلح باشد کلیه افراد حسب مورد به مجازات بندهای "الف"، "ب" و "ج" این ماده محکوم خواهند شد.

ماده (۳۳): نظامیان زیر که تعداد آنان حداقل سه نفر باشد شورش کننده محسوب و به ترتیب ذیل محکوم می شوند:

الف - نظامیان مسلحی که با تبانی یا به صورت دسته جمعی از اطاعت فرماندهان یا رؤسای خود سرپیچی کنند، چنانچه مصداق محارب نباشند هر یک به حبس از سه تا پانزده سال.

ب- نظامیانی که در ارتباط با خدمت به صورت دسته جمعی و با سلاح گرم یا سرد به جان یا مال یا ناموس مردم یا اموال عمومی تعدی یا تجاوز نمایند، چنانچه محارب محسوب نشوند به حبس از سه تا پانزده سال.



وظیفه، محصلان ن. م، و کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی ن. م، در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.»، است.

ج) حد نصاب لازم برای تحقق عنوان "شورش" حداقل سه نفر می‌باشد. در صدر ماده تصریح شده که نظامیان زیر که تعداد آنان حداقل سه نفر باشد شورش کننده محسوب می‌شوند. قانون دادرسی و کیفر ارتش حد نصاب لازم را برای شورش حداقل هشت نفر عنوان داشته بود و برای مرتکبین مجازات اعدام تعیین کرده بود و در مواردی که تعداد مرتکبین به حد نصاب مزبور نمی‌رسید حسب مورد مجازات حبس دایم یا حبس جنایی درجه یک تا ده سال در نظر گرفته شده بود. قانون مجازات جرایم ن. م، سال ۷۱ نیز حد نصاب لازم را حداقل سه نفر پیش‌بینی کرده بود.

د) عنصر مادی جرم:

رکن مادی یا اقدامات و عملیات اجرایی بزه که حسب مورد به صورت فعل مادی مثبت یا ترک فعل محقق می‌شود، از سه قسمت تشکیل می‌گردد:

۱) سرپیچی از اطاعت فرماندهان یا رؤسا با تبنانی یا به صورت دسته جمعی:

۱-۱: تبنانی در لغت به معنای با هم سازش کردن و هم دست شدن برای اقدام به امری آمده است.^(۳)

منظور از تبنانی در این ماده تصمیم یا توافق یا هماهنگی بین حداقل سه نفر جهت سرپیچی و نافرمانی از اطاعت فرماندهان یا رؤساست.

در مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی، تبنانی دو نفر یا بیشتر جهت ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی یا خارجی یا علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم جرم تلقی شده است.

۱-۲: با عنایت به اینکه نتیجه تبنانی جهت ارتکاب جرم معمولاً به صورت جرایم متشکل، سازمان یافته، شبکه‌ای و گروهی نمایان و آشکار می‌شود؛ بنابراین، تدبیر مقنن یا اتخاذ سیاست کیفری مبنی بر برخورد دسریع و قاطع با تبنانی کنندگان

به خصوص در سازمان‌های نظامی و انتظامی که تحکیم مبانی نظم و انضباط نقش اساسی و بنیادی و زیرساختی را دارد کاملاً موجه و قابل پذیرش می‌باشد.

۳-۱: موضع اتخاذ شده از سوی نظام‌های کیفری مختلف راجع به مجازات کردن تبنانی بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: برخی مانند "قانون عقوبات سوریه و قانون جزای هلند" تنها تبنانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت را جرم شناخته‌اند و برخی مانند "قانون عقوبات مصر" و "قانون حقوق جزا" مصوب سال ۱۹۷۷ م، انگلستان، تبنانی برای ارتکاب همه جرایم را واجد وصف مجرمانه دانسته‌اند و در نظام کیفری ایران برخورد بینابین پذیرفته شده است؛ و مطابق آن، هر چند تبنانی برای ارتکاب همه جرایم واجد وصف مجرمانه تلقی گشته است، لیکن شرایط تحقق این جرم در صورتی که قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت وجود داشته باشد سهل‌تر و مجازات آن بیشتر می‌باشد.^(۳)

۴-۱: اطاعت در لغت به معنای "فرمانبرداری" و سرپیچی نیز مقابل آن و به معنای "نافرمانی" یا فرمانبرداری نکردن" است. در اصطلاح نظامی "اطاعت می‌شود" به معنای جواب صحیح به

**قانون دادرسی و کیفر
ارتش مد نصاب لازم را برای
شورش حداقل هشت نفر
عنوان داشته بود و برای
مرتکبین مجازات اعدام
تعیین کرده بود و در مواردی
که تعداد مرتکبین به حد
نصاب مزبور نمی‌رسید
حسب مورد مجازات
حبس دایم یا حبس
جنایی درجه یک تا ده
سال در نظر گرفته
شده بود.**

دستورات فرمانده مسئول برای این که به وی اطلاع داده شود که پیام دریافت و فهمیده شد و اجرا خواهد شد، آمده است.^(۴)

۵-۱: در بند "الف" تصریح شده نظامیان مسلحی که با "تبنانی" یا "به صورت دسته جمعی" از اطاعت فرماندهان یا...

با توجه به صدر ماده، رعایت حد نصاب (حداقل سه نفر) برای تبنانی یا اقدام دسته جمعی بدون تبنانی ضروری است و تفاوت آن در این است که اقدام دسته جمعی ممکن است به صورت اتفاقی و بدون تبنانی قبلی باشد؛ مثلاً در یک زمان واحد گروهی از نظامیان از اطاعت فرماندهی سرپیچی کنند.

۲) تعدی یا تجاوز به جان یا مال یا ناموس مردم یا اموال عمومی به صورت دسته جمعی. ۱-۲: تعدی یا تجاوز به جان یا مال یا ناموس مردم یا اموال عمومی باید در ارتباط با خدمت باشد تا مشمول مقررات ماده شود. البته بهتر بود مقتن از عبارت "حین خدمت یا در ارتباط با آن" استفاده می‌کرد، مانند مواد (۴۵)، (۴۷)، (۴۸)، (۵۰) و (۵۲) همین قانون.

۲-۲: "تعدی" در اصطلاح جزایی به معنای اخذ مال یا ایذا و آزار غیر بدون مجوز قانونی آمده است.^(۵)

۲-۳: چنانچه عمل مرتکبین منجر به قتل یا ضرب و جرح افراد یا جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی شود، علاوه بر مجازات بزه شورش، حسب مورد به کیفر جرایم ارتكابی مزبور نیز محکوم می‌شوند.

۲-۴: اگر نتیجه تعدی یا تجاوز به اموال مردم جامع شرایط سرقت مستوجب حد باشد مرتکبین به حد سرقت نیز محکوم می‌شوند؛ لیکن اگر عمل مرتکبین در این مورد با سرقت تعزیری تطبیق داشته باشد. به نظر می‌رسد موضوع مشمول مقررات تعدد معنوی گردد.

۲: اموال عمومی اعم است از اموال نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، ادارات، سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی، مؤسسات وابسته به سازمانهای



منظور از شکست جبهه اسلام تمام جبهه‌های که رزمندگان در آن با دشمن درگیری دارند، نیست، بلکه با توجه به تعریف مذکور در تبصره ماده (۶۴) قانون مجازات جرایم نبره‌های مسلح، منطقی‌های را شامل می‌شود که یگان نظامی درگیری مستقیم و سریع رزمی با دشمن داشته و یا مأموریت آن را دریافت نموده باشد.

مذکور، شوراها، شهرداری‌ها، بنیادها و به‌طور کلی اموالی که متعلق حق افراد و مؤسسات خصوصی نیست. البته با عنایت به اینکه در ماده هم به اموال مردم اشاره شده و هم به اموال دولتی، پس در این مورد ثمره عملی بر تمییز و تفکیک اموال خصوصی از اموال عمومی مترتب نیست.

۲-۶: حد نصاب مذکور در صدر ماده، یعنی "حداقل سه نفر" جهت تطبیق موضوع بند "ب" با عنوان شورش ضروری است.

۳) اجتماع، تحصن و اعتصاب به منظور دستیابی به اهداف شخصی، صنفی و گروهی و یا به منظور بهره‌مندی از مزایا و امتیازات یا علیه تصمیمات قانونی مسئولان و نظایر آن.

۳-۱: مقررات بند "ج" تأسیس جزایی جدیدی است که در قانون دادرسی و کیفر ارتش و قانون مجازات جرایم ن.م، سال ۷۱ سابقه تقنینی نداشته است.

۳-۲: حد نصاب مذکور در صدر ماده، یعنی "حداقل سه نفر" جهت تحقق عناوین مذکور در بند "ج" ضروری می‌باشد.

۳-۳: با عنایت به اینکه قوام، اقتدار و صلابت نیروهای مسلح متکی به تحکیم مبانی نظم و انضباط می‌باشد، بنابراین، مقنن به منظور حفظ انتظام سازمانهای نظامی و انتظامی و حراست از این رکن بنیادی و اساسی، هرگونه اعمال و رفتاری از قبیل اجتماع، تحصن، اعتصاب و غیره را که به نحوی از انجام موجب اختلال در نظم یگان‌های نظامی و انتظامی می‌شود ممنوع و مرتکبین را مستوجب تعقیب کیفری دانسته

است. همچنین استفاده از سلاح نیز شرط تحقق بزه نیست، لکن اگر مرتکبین از سلاح نیز استفاده نمایند حسب مورد به مجازات جرایم ارتكابی ناشی از استفاده از سلاح نیز محکوم می‌گردند.

ماده (۳۴): «هر یک از فرماندهان یا مسئولان نظامی بدون امر یا اجازه یا بدون این که به اقدام متقابل و ادار شده باشد علیه نیروهای نظامی یا اتباع دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد مسلحانه حمله یا عده‌ای را وادار به حمله نماید یا با نیروی تحت فرماندهی خود در اراضی دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد مرتکب عملیات خصمانه شود؛ هرگاه اقدامات فوق موجب اختلال در امنیت داخلی یا خارجی کشور گردد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.»
شرح ماده:

۱- فلسفه وضع ماده، جلوگیری از اعمال و رفتار خودسرانه و رعایت مبانی نظم و انضباط و سلسله مراتب فرماندهی در نیروهای مسلح می‌باشد.

بند "ج" ماده (۱۴) آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، اطاعت از دستورهای فرماندهان، رؤسا و مدیران را مورد تأکید قرار داده است و ماده (۹) آیین‌نامه موصوف دقت در اجرای دستورهای فرماندهان را از مصادیق انضباط ظاهری دانسته و در بند (الف) ماده (۶۸) تصریح شده که هر فردی از نیروهای مسلح باید مأموریت را درک و با آگاهی و هوشیاری آن را انجام داده و دستورات را دقیقاً اجرا نماید. گاهی ممکن است اقدامات خودسرانه یک فرمانده یا مسئول نظامی موجب اختلال در امنیت داخلی یا خارجی کشور گردد و مملکت را درگیر بحران‌های منطقه‌ای یا جهانی نماید. تجربه تاریخی بسیاری از درگیری‌ها یا جنگ‌ها در جهان مؤید این نظر می‌باشد.

۲- مرتکب جرم: فرماندهان یا مسئولان نظامی هستند. همان طوری که در شرح ماده (۳۰) بیان شد، فرمانده فردی است که به سبب شغل یا درجه یا مقام و یا مسئولیتی که به او محول

است.
۳-۴: اعمال مذکور در بند "ج" «اجتماع، تحصن و اعتصاب» حصری نبوده و از باب تمثیل می‌باشد. عبارت "و یا به هر نحوی موجب اختلال در نظم شوند" مؤید این نظر است.

۳-۵: ارتکاب اعمال مذکور در بند "ج" در خارج از محل یگان نیز مشمول مقررات ماده می‌شود. به عبارت دیگر، تفاوتی نمی‌کند که اعمال مصرحه در بند "ج" یا نظایر آنها در یگان‌های نظامی و انتظامی صورت گیرد یا در خارج از محل یگان.

۳-۶: در مواد (۱۳۲) و (۱۳۹) آیین‌نامه انضباطی ن.م، شکایت به صورت اجتماع یا دسته جمعی ممنوع دانسته شده است. ضمن اینکه برابر مقررات ماده (۱۳۶) آیین‌نامه موصوف «هر فرد از پرسنل نیروهای مسلح می‌تواند از اعمال و رفتار غیر قانونی فرماندهان، رؤسا، مدیران و سایر مقامات نسبت به خود، به‌طور کتبی یا شفاهی، با رعایت مقررات این فصل شکایت نماید.»

ه) مسلح بودن یا نبودن مرتکبین اثری در تحقق بزه شورش ندارد، لیکن اگر مرتکبین غیر مسلح باشند از لحاظ مجازات مشمول مقررات بند "د" ماده می‌گردند.

و) نیازی نیست که همه مرتکبین جرایم مذکور در ماده، مسلح باشند حتی اگر یک نفر از آنان نیز در اقدام گروهی مسلح باشد کلیه افراد حسب مورد به مجازات‌های بندهای "الف"، "ب" و "ج" ماده (۳۳) محکوم خواهند شد.

ز) منظور از سلاح، اعم از سلاح گرم و سرد

شده است، مسئولیت هدایت و فرماندهی یک یگان یا قسمت یا واحد را دارد و تنها مقامی است که در قبال اعمال و اقداماتی که یگان یا واحد وی انجام می دهد پاسخگوست و مسئولیت دارد. در مورد مسئولان نظامی به نظر می رسد منظور "رؤسا" یا "مدیران" یا سایر افرادی باشند که در ردیف فرماندهی قرار دارند، ولی عنوان خاص فرمانده را ندارند، آنچه که به نظر نگارنده مسلم است مراد قانونگذار در این مورد معنا و مفهوم کلی و عام "مسئول" یعنی کسی که در مقابل وظیفه ای که به او محول می شود باید پاسخگو باشد، نیست.

۳ - عنصر مادی جرم:

عنصر مادی جرم از دو قسمت تشکیل شده است:

الف) حمله یا وادار نمودن عده ای به حمله مسلحانه علیه نیروهای نظامی یا اتباع دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد.

ب) عملیات خصمانه در اراضی دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد.

۱-۳: هر چند که مقنن در مواد (۱۹) و (۳۳) همین قانون حداقل افراد تشکیل دهنده جمعیت یا شورش کننده را سه (۳) نفر عنوان نموده است، لیکن به نظر می رسد در این ماده با توجه به سیاق و منطوق ماده و قسمت مقدم عبارت، منظور از "عده ای" دو نفر و بیشتر از آن باشد.

۲-۳: بر طبق حقوق بین الملل جاری، هیچ دولتی حق ندارد برای رسیدن به اهداف خود آغازگر جنگ باشد، توسل به قوای مسلح برای تحقق اهداف اعم از مشروع و نامشروع غیر مجاز است، "اوپنهایم" جنگ را برخورد بین دو دولت از طریق قوای نظامی با هدف تفوق و غلبه می داند. "وردورس" برای تعریف جنگ این عبارت را به کار برده است: «بر خورد مسلحانه بین دولتها که در آن کلیه روابط صلح آمیز معلق شده باشد».^(۶)

۳-۳: کلمه اراضی در ماده موضوعیت ندارد و قانونگذار در مقام بیان موضوع بوده است. بنابراین، اگر عملیات خصمانه در قلمرو هوایی

یا دریایی دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد نیز صورت گیرد مشمول مقررات ماده خواهد بود. در حقوق بین الملل عمومی، قلمرو حاکمیت یک کشور شامل قلمرو زمینی، هوایی و دریایی می شود.

ضمن آنکه مقصود از قلمرو حاکمیت یک کشور، حوزه یا منطقه و یا محل اعمال قدرت حکومت آن کشور است.

۴- جرم موضوع ماده (۳۴) از جرایم مقید محسوب نمی شود، اما اگر اقدامات مرتکب، یعنی "حمله مسلحانه علیه نیروهای نظامی یا اتباع دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد یا عملیات خصمانه در اراضی دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد" منجر به اختلال در امنیت داخلی یا خارجی کشور گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت به مجازات حبس از سه تا پانزده سال محکوم می شود. به عبارت دیگر، حصول نتیجه باعث تشدید مجازات مرتکب می گردد.

۵- منظور از عبارت "اقدامات فوق" در قسمت اخیر ماده، هر دو جز رکن مادی بزه است که شرح آن بیان شد.

۶- در جرایم علیه امنیت کشور، مصالح عالیه مملکت، تمامیت ارضی میهن، استقلال، منافع ملت، آسایش عمومی، موقعیت سیاسی داخلی و خارجی حکومت و مناسبات خارجی دولت با سایر کشورها مورد تهدید و تعرض قرار می گیرد.

۷- اگر اقدامات مذکور در ماده با اجازه بوده

یا در اثر اقدام متقابل انجام شده باشد یا دولت مقابل با ایران در حال جنگ باشد، موضوع مشمول مقررات ماده نخواهد بود.

۸- در حقوق بین الملل، اصل دفاع مشروع به رسمیت شناخته شده است. کشوری که مورد تجاوز حمله نیروهای مسلح کشور دیگری قرار می گیرد باید در مقابل حمله دفاع کند. هر چند که جنگ در مناسبات کشورها ممنوع شده اما دفاع مشروع مجاز شمرده شده است. ماده (۵۱) منشور ملل متحد، حق دفاع مشروع را برای کشورهای عضو به عنوان یک حق طبیعی به رسمیت شناخته است. البته عمل متقابل مسلحانه با دفاع مشروع تفاوت دارد؛ دفاع مشروع در حین حمله و تجاوز صورت می گیرد، در حالی که عمل متقابل مسلحانه به عنوان یک عمل مستقل، متعاقب حمله ای که قبلاً صورت گرفته و با انگیزه تلافی و مجازات متجاوز صورت می گیرد.^(۷)

کنوانسیون های ۱۹۴۹ م، ژنو تلافی علیه بیماران، مجروحان، اهداف غیر نظامی، مناطق کشاورزی و غیره را غیر قانونی اعلام کرده اند. در دادرسی های نورنبرگ و توکیو به مقابله به مثل استناد شد؛ این دفاع مبتنی بر آن است که در صورت عدم رعایت یکی از اصول حقوق بین الملل توسط یک طرف، طرف دیگر نیز خود را مقید به آن قاعده نمی داند و قاعده تا پایان مخاصمات بین طرفین معلق می ماند.^(۸)

۹- اگر "امر" یا "اجازه" مقام مافوق برخلاف

با عنایت به اینکه نتیجه تبانی جهت ارتکاب جرم معمولاً به صورت جرایم متشکل، سازمان یافته، شبکه ای و گروهی نمایان و آشکار می شود؛ بنابراین، تدبیر مقنن یا اتفاد سیاست کیفری مبنی بر برقرارد سرریز و قاطع با تبانی کنندگان به فصوص در سازمان های نظامی و انتظامی که تمکیم مبانی نظم و انضباط نقش اساسی و بنیادی و زیرساختی را دارد کاملاً موجه و قابل پذیرش می باشد.

مقررات و غیرقانونی باشد، کیفر "آمر" و "مرتکب" برابر مقررات ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی تعیین می شود.

ماده (۳۵): «هریک از فرماندهان یا مسئولان نظامی که پس از دریافت دستور توقف عملیات جنگی، عملیات را ادامه دهد در صورتی که عمل وی موجب اخلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و در غیر این صورت به دو تا ده سال حبس محکوم می شود.»

۱- مرتکب جرم: هر یک از "فرماندهان یا مسئولان نظامی" است که شرح آن در ماده قبل بیان شد.

۲- عنصر مادی جرم: ادامه عملیات جنگی پس از دریافت دستور توقف، رکن مادی بزه را تشکیل می دهد.

۳- منظور از "عملیات جنگی" انجام یک سلسله عملیات نظامی مربوط به هم که منظور از آن وصول به یک هدف مشترک بوده است و معمولاً در زمان و مکان مشخصی اجرامی گردد، می باشد.^(۹)

۴- دستور فرمانده مبنی بر توقف عملیات جنگی اعم است از دستور کتبی و شفاهی.

۵- جرم موضوع ماده (۲۵) مقید به حصول نتیجه نیست، لیکن در صورتی که موجب حصول نتیجه، یعنی "اخلال در نظام" و یا "شکست جبهه اسلام" گردد کیفر مرتکب محارب خواهد بود و اگر نتایج موصوف حاصل نگردد مرتکب جرم به دو تا ده سال حبس تعزیری محکوم می شود.

۶- اخلال در نظام در این ماده به مفهوم "به هم خوردن امنیت کشور" آمده است. "امنیت ملی" عبارت است از حفظ قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه، حفظ حکومت و اعمال حاکمیت در امور داخلی و خارجی علیه نفوذ بیگانگان و جلوگیری از هرگونه عملیات غیرقانونی که منظور آن تضعیف و یا انهدام حکومت و ملت

باشد.^(۱۰)

۷- منظور از شکست جبهه اسلام تمام جبهه‌ای که رزمندگان در آن با دشمن درگیری دارند، نیست، بلکه با توجه به تعریف مذکور در تبصره ماده (۶۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، منطقه‌ای را شامل می شود که یگان نظامی درگیری مستقیم و سریع رزمی با دشمن داشته و یا مأموریت آن را دریافت نموده باشد.

ماده (۳۶): «هر نظامی که بدون امر یا مجوز قانونی، فرماندهی قسمتی را به عهده گیرد و یا برخلاف امر مافوق، فرماندهی قسمتی را ادامه دهد به حبس از دو تا ده سال محکوم و چنانچه مرتکب جرم دیگری گردد به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد.»

شرح ماده:

۱- مرتکب جرم: "هر نظامی" است و منظور از "هر نظامی" همان طوری که در مواد قبل تشریح شد، کلیه افراد مذکور در ماده (۱) همین قانون می باشد که به اختصار "نظامی" خوانده می شوند. افراد مزبور عبارت اند از:

«کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته، کارکنان ناجا، کارکنان وظیفه و محصلان نیروهای مسلح و کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و برابر قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می شوند.»

۲- عنصر مادی جرم: عهده گرفتن فرماندهی قسمتی بدون امر یا مجوز قانونی یا ادامه آن برخلاف امور مافوق، عنصر مادی جرم را تشکیل می دهد.

۳- فرماندهی اختیاری است که یک فرد در خدمت، به سبب شغل یا درجه و مسئولیتی که دارد، در راستای انجام مأموریت‌های محوله به کار می برد. فرمانده، مسئول اداره پرسنل واحد خود بوده و تنها مقامی است که در قبال اعمالی که واحد انجام داده و یا از انجام آن بازمانده است، مسئولیت دارد.^(۱۱)

۴- مافوق یا بالادست، افسر یا درجه‌داری است که نسبت به افسر و یا درجه‌دار دیگر از درجه بالاتری برخوردار باشد و در صورت تساوی درجه، شغل سازمانی وی بالاتر باشد. مادون یا زیر دست، عکس این حالت را دارد. بنابراین امکان دارد فردی در یگان و یا محل خدمت خود مافوق عده‌ای و مادون افراد دیگر باشد.

۵- چنانچه مرتکب علاوه بر بزه موضوع ماده (۳۶)، عمل مجرمانه دیگری را نیز انجام دهد به صراحت قسمت اخیر ماده (۳۶) با رعایت مقررات تعدد مادی جرم و اعمال قاعده جمع مجازات‌ها، به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد، مگر در مواردی که افعال مجرمانه متهم مشمول مقررات تعدد معنوی جرم گردد که در این صورت به کیفر اشد محکوم می شود.

ادامه دارد

پی نوشت‌ها:

- ۱- فرهنگ فارسی عمید.
- ۲- فرهنگ فارسی همید.
- ۳- میر محمد صفایی، دکتر حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی.
- ۴- فرهنگ واژه‌های نظامی، سرتیپ ستاد محمود رستمی.
- ۵- جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق.
- ۶- حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط دول - جلد ۲، دکتر سید جلال الدین مدنی.
- ۷- رجوع شود به حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط دول - جلد ۲، دکتر سید جلال الدین مدنی.
- ۸- حقوق جزای بین الملل - دکتر حسین میر محمد صادقی.
- ۹- فرهنگ واژه‌های نظامی - سرتیپ محمود رستمی.
- ۱۰- فرهنگ واژه‌های نظامی، سرتیپ محمود رستمی.
- ۱۱- ماده (۴) آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح.

